

بررسی موسیقی از منظر علم و حکمت

مصطفی کمال پورتراب

به نام خداوند جان و خرد
کز او برتر اندیشه برنگذرد

موسیقی نواز شکر گوش، رهنمون و تهییج کننده دل و تلطیف کننده و صفا دهنده روح است.

موسیقی زبان بی زبانی هاست. زبانی جهانی است که هر یک از افراد بشر متناسب با توان خود آن را درک می کنند به طوری که کلام از بیان آن عاجز است. به همین جهت گفته اند: آنجا که سخن بازمی ماند! موسیقی آغاز می شود.

بوعلی سینا که در مورد علم می گفت: هَذَا الْمَرْءُ أَيْنَ الْعِلْمِ! در مورد موسیقی عبارت هَذَا الْعِلْمُ أَيْنَ الْمَرْءِ! را بیان می کرد.

شاید بتوان گفت که موسیقی بدون هیچ واسطه ای سریع تر از تمام هنرها احساس شادی و غم را به انسان منتقل می کند. حقیقتی فطری یا غریزی در زبان موسیقی وجود دارد که هیچ کلامی هرچند فصیح نمی تواند با آن برابری کند. موسیقی با وجود تنوع فراوان در دنیای امروز، به دلیل تأثیر عمیقی که بر روی احساس می گذارد، نقش مهمی را ایفا می کند و این امر، به خصوص در موسیقی علمی به دلیل غنی بودن اصوات و تعدد سازها و همچنین عمق و وسعت موسیقی از نظر بیان احساسات، میدان عملکرد و وسعت، به اوج خود می رسد. موسیقی مجموعه ای است از نظام و ترکیب امواج مختلف و دارای ترکیب های گوناگون زمانی که به صورت آهنگ به گوش می رسد و به مصداق ((از کوزه همان برون تراود که در اوست)) چون از نظام فکری و قلبی انسان تراوش کرده، باعث افزایش هوش، رفع خستگی، روشن بینی و تعادل جسمی و روحی می شود. در جهان هستی مفاهیمی وجود دارد که دارای ابعادی بسیار گسترده تر و عالی تر از فهم بشر است. اگر به این مفاهیم از دریچه هر دانشی بنگریم به صورت یک پایه اصلی مفاهیم آن دانش جلوه گر می شود. مثلاً علوم ریاضی در واقع زبان کاینات است. در مکاتب علمی یونان باستان نسبت اعداد معرف فاصله موسیقی، کیفیت آن فاصله را مشخص می کرد و در فلسفه آنان ((عدد)) اصل و جوهر هر حقیقتی به شمار می رفت.

یونانیان معتقد بودند که در کنیه اشیاء عددی است که قدرت آن در گردش ستارگان نهفته است و در وجود انسان و رفتار او مؤثر است. مولوی در این باره می فرماید:

((بر اساس موج ها اعدادشان

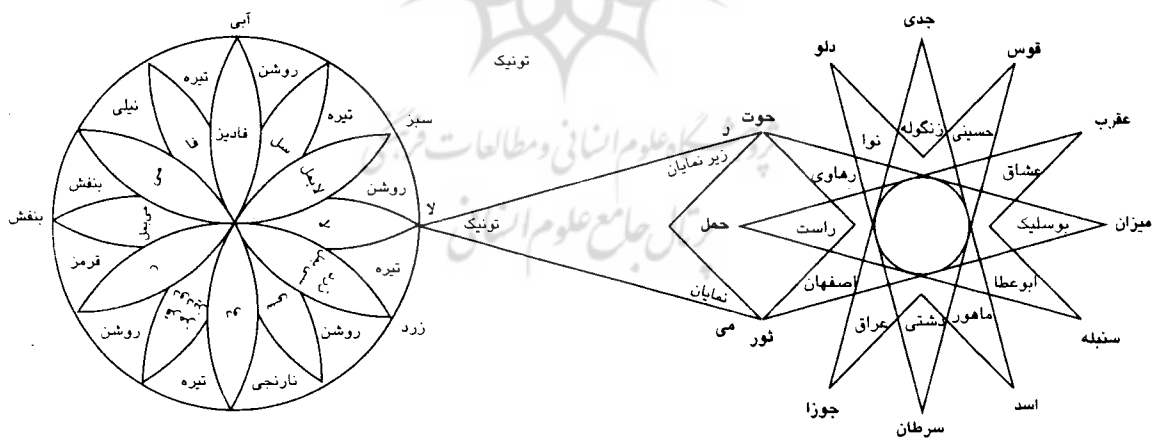
در عدد آورده باشد موجشان))

به عقیده آنان هرچه نسبت عددی فاصله موسیقایی ساده تر باشد، آن فاصله دارای مطبوعیت بیش تری است و دو صدای مطبوع، ترکیبی متشابه دارند، در حالی که دو صدای نامطبوع برخلاف آن است.

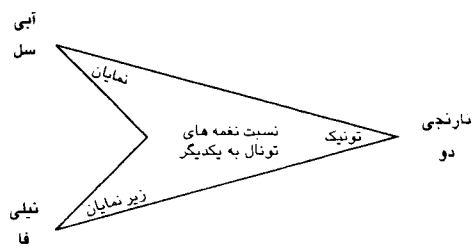
فارابی فیلسوف بزرگ ایرانی و موسیقی دان بزرگ قرن چهارم هجری، فاصله های مطبوع را با نسبت های مضرب (Multiple) به صورت kn یا نسبت امثال و سوپر پارسیل به صورت $(\frac{1}{x} + \frac{1}{x})$ یا نسبت مثل و جزء معرفی می نمود. در مکتب

فیثاغورث مطبوع‌های کامل از چهار عدد متوالی: ۱-۲-۳-۴ به دست می‌آید که آنها را ((چارگان مقدس)) (Saint quaternaire) می‌نامیدند. زیرا از طرفی این اعداد پایه‌سایر اعداد به شمار می‌رفت و از طرف دیگر مجموع آنها عدد ده را به وجود می‌آورد که پایه‌اعداد اعشاری در ریاضیات است. اعداد مزبور، ابعاد مکان، فضا، زمان و ادراک را تعیین می‌کنند. از طرف دیگر، رابطه‌بین اعداد معینی با عوامل و پریودهای مختلف در طبیعت، مانند رابطه‌بین صور فلکی با روزهای هفته و یا هفت نغمه موجود در گام دیاتونیک و هفت رنگ مربوط به طیف نور خورشید: بنفش - نیلی - آبی - سبز - زرد - نارنجی - قرمز و هفت دستگاه در موسیقی ایران و هفت مقام کلیسایی گرگورین و همچنین دوازده ماه سال و دوازده نغمه در گام کروماتیک و بروج دوازده‌گانه در منطقه البروج و دوازده مقام در موسیقی ایران و ریشه دوازدهم عدد دو در سیستم اعتدال یکسان و (Equal temperament system) تقسیمات سیم به ۱۲ (یا عدد دوازده به توان دو) توسط فارابی، و وجود تم‌های دوازده میزانی همه و همه معرف نظامی است که عوامل زندگی بخش را به بشر هدیه کرده است. به این ترتیب می‌توان گفت که: هیچ چیز تصادفی نیست و هر پدیده در جهان در اثر ضرورت به وجود آمده و با یکدیگر دارای نسبت‌های متقارن، متداخل، متوافق، متماثل و منطقی است.

به منظور ایجاد ارتباط و وابستگی میان رنگ و صوت از راه تجربه، تلاش‌هایی انجام یافته است. مثلاً دانشمندان موسیقی دان سویسی لاگوت (Lagoutte) ابداع‌کننده جدولی است که شامل دوازده نقطه بر روی دایره است که به ترتیب خاصی به یکدیگر ارتباط یافته‌اند. در این جدول هفت رنگ طیف خورشید با هفت صدای گام دیاتونیک و ۱۲ صدای گام کروماتیک با هم به تقارن رسیده‌اند و درجات تنال هر تونالیت در آن به صورت متقابل درآمده‌اند:



۱. مقایسه هفت صدای موسیقی با هفت رنگ که از تجزیه نور خورشید حاصل می‌شود.
۲. مقایسه ۱۲ ماه سال با برج‌های ۱۲ گانه فلکی
۳. مقایسه نسبت فاصله‌های درجه‌های مهم در گام هفت درجه‌ای با طیف نور خورشید
۴. مقایسه برج‌های ۱۲ گانه فلکی با مقام‌های ۱۲ گانه موسیقی
۵. مقایسه رنگ‌های متقابل با نغمه‌های تنال در موسیقی



انسان برای بیان مقاصد خود دارای دو وسیله طبیعی می باشد. یکی دستگاه مولد صوت یا حنجره و دیگری دست ها. به عبارت دیگر، وسیله ای بادی برای تولید صوت در مکالمه یا آواز خواندن که ادامه یک خط ملودی است و دومی ابزاری برای تنظیم و هماهنگی کلام و یا همین خط ملودی. بنابراین، بدون وجود هر یک از این عوامل، کلام یا موسیقی موزون و شایسته ای حاصل نخواهد شد. خط ملودی در یک قطعه موسیقی بر مبنای تعدادی از اصوات که دارای زیر و بم های گوناگون هستند بنا می شود. این اصوات با فاصله های دور و نزدیک نسبت به یکدیگر قرار دارند و به شکلی دنبال یکدیگر می آیند که از نظر زمان نیز دارای نظامی متناسب و دلپذیر هستند. به این معنا که صداهای مختلف ملودی هر یک طول معینی داشته و در مسیر کوچک ترین اجزاء زمان به صدا درمی آیند. این نظم دقیق و پیچیده، روح یا ریتم موسیقی را به وجود می آورد. بنابراین می توان گفت: ملودی بدون ریتم مانند جسمی بی روح است. ولی آنچه که ملودی را از برهنگی می رهاوند و به آن پوشش زیبا می پوشاند اصواتی هم زمان است که هارمونی یا کنترپوان نام دارد. توأم شدن این عوامل با یکدیگر با نظامی خاص به همراه حالت هایی متفاوت که از عواطف گوناگون انسان ناشی می شود و نوانس (Nuance) نامیده می شود، موسیقی متعالی را می سازد که طی قرن های متمادی باعث انبساط خاطر انسان ها شده است. شاید بتوان گفت که موسیقی یا هنر بیان احساسات به وسیله اصوات موزون، که دارای بار عاطفی و هیجانی و آرام بخشی است بهتر و سریع تر از سایر هنرها احساس شادی و غم و سلحشوری و ایمان را به انسان منتقل می کند. موسیقی یکی از عوامل کارساز بوده است که طی تاریخ سربازان را علیه دشمن بسیج کرده و همچنین باعث تزکیه نفس شده است. و به طوری که می دانیم موسیقی نیز مانند بسیاری از عوامل مورد نیاز بشر، یک وسیله است که حسن استفاده از آن باید مورد تشویق و سوء استفاده از آن مورد عدم توجه واقع شود. همچنان که کارد اگر به دست جراحی متخصص باشد بیماری را از مرگ می رهاوند و اگر به دست جانی باشد باعث مرگ افراد خواهد بود. در اینجا بزهکار فردی است که از این وسیله به خوبی استفاده نمی کند. به عنوان مثال اخیراً ثابت شده است، موج هایی که تواتر آنها کم تر از محدوده شنوایی یا بیش تر از آن باشد مرگ آفرین است. شاهد مثال حادثه ای است که برای معاون پروفیسور گاورد دانشمند فرانسوی پیش آمد. قضیه از این قرار بود که پروفیسور یادشده برای آزمایش بر روی امواج مادون صوت که از سوت های ژاندارم های فرانسوی ایجاد می شود، سوتی به طول حدود دو متر و با همان مشخصات ساخت تا آن را با کمک هوای فشرده به کار اندازد و نتیجه حاصل را تجربه کند. شب قبل از قرار آزمایش و تجربه، معاون او به منظور تجربه و در اثر حس کنجکاوای آن سوت را به کار انداخت و باعث مرگ خود شد. کالبدشکافی او بعد از حادثه، نشان داد که کلیه اعضای داخلی وی در اثر ارتعاشات حاصله از آن سوت به صورت ژله بی شکلی در هم مخلوط شده اند. پس از حادثه فوق، پروفیسور گاورد قضیه را با احتیاط بیش تری دنبال کرد و به این نتیجه رسید که اگر مولد موج هایی از این قبیل، به ساختمانی در فاصله هشت کیلومتری نشانه برود تشدید ایجاد می شود که مانند زلزله آن ساختمان را معدوم می کند. این حوادث روشن می کند که هر عامل می تواند در محدوده متعارف خود مفید و سازنده و در خارج از آن مخرب و مرگ آور باشد.

موسیقی به همراه کلام در اکثر فرهنگ ها از اهمیت زیادی برخوردار است. گاه مضامین این آوازاها بیانگر مفاهیمی است که از راه ها و روش های دیگر نمی توان به آنها پی برد. از این رو می توان گفت که موسیقی امکان بیان ظرافتی را دارد که کلام قادر به برابری با آن نیست.

سنت ودایی هند یک ترکیب صوتی به نام ((شوارا)) را نخستین پدیده معنوی می داند که از سکوت مطلق به وجود آمده و تدریجاً به صورت ماده درآمده و در نهایت جهان را

به وجود آورده است. در فرهنگ اسلامی نیز رابطه موسیقی با نظام کیهانی به وسیله دانشمندان و مفسرین اسلامی تأیید شده است. از جمله اخوان الصفا (که از مسلمانان آزاده بودند و موسیقی را هنری روحانی و عرفانی می‌دانستند) معتقد بودند که حرکت سیارات متناسب با نعمات و الحان موسیقی است و بنا به طبیعت و مزاج هر موجود زنده نغمه‌ای موجود است. مقام‌های موسیقی فرهنگ اسلام با منطقه البروج ارتباطی مستقیم دارند و اختصاص اجرای مقام‌ها در ساعات معین به علت وجود سیاره‌ای است که در آن روز یا آن ساعت حاکم بر افلاک است. به عنوان مثال ابن خردادبه و مسعودی، مقام خسروانی (الطرق الملوکیه) را حاوی مبانی اخلاقی می‌دانند که به علت رابطه با نظام سماوی، بر سرنوشت بشر اثر مستقیم دارد. در فرهنگ‌های مختلف نوعی موسیقی برای رفع ناخوشی‌ها به کار می‌رود و برای این منظور بعضی از مقام‌ها گروه بندی شده‌اند. شاهد این مدعا بیماری‌های ((زار)) و ((باد)) و ((گواتی)) است که در بلوچستان به وسیله موسیقی معالجه می‌شود. آنها معتقدند که ارواح خبیثه ((زار)) به نام‌های ((آرئوند)) - برسات و فرزندان چهارده گانه آنان و همچنین ((باد)) و غیره به تن آنها وارد شده و آنها را تا حد مرگ بیمار می‌کنند و یا باعث مرگ آنها می‌شوند و چون این امراض تاکنون معالجه نداشته و فقط به وسیله انواعی از موسیقی معالجه شده، اهالی بومی تنها راه علاج را موسیقی مورد نظر می‌دانند. از طرف دیگر گسترش علم و تکنولوژی در زمان حاضر، به خوبی مبین آن است که در کلیه مراحل باید تجدید ارزیابی روشن و واضحی از فرضیه‌ها به عمل آید که نتیجه آن گذشتن از معیارهای خاص سنجش گذشته به معیارهای دیگری است که با توجه به نیاز زندگی امروز و تکنولوژی جدید، با معیارهای قبلی تفاوت فاحش دارد. هر سیستم موسیقی به منظور افزایش گنجینه فرهنگی خود می‌تواند با اتکا به ریشه‌ها و ارزش‌های خود و متناسب با نیازهای زمان، رشد و تکامل یابد. این تکامل با توجه به نقشی که موسیقی به عهده دارد شامل ارزش‌هایی مانند نیازهای روحی، مذهبی، اخلاقی، ذهنی، روان‌تنی، عاشقانه، تفریحی، آیینی، فنی، حرفه‌ای، دفاعی و غیره است. به عنوان مثال نقش مذهبی موسیقی در جهان اسلام از ارزش‌های زیادی برخوردار است. به طوری که در کلیه مراسم مذهبی مانند نوحه خوانی، مرثیه خوانی، مداحی، تعزیه و قرائت قرآن کریم و سایر موارد مانند سماع و بزم درویشان اصوات روحانی با ریتم‌های مناسب وسیلهٔ باارزشی است که مجریان و شنوندگان را بیش از پیش به تعمق و تمرکز وا داشته و آنها را به فضایی روحانی نزدیک می‌سازد. گویی موسیقی غذایی است که هنرهای دیگر مانند ادبیات، سینما، نقاشی و غیره به منظور توان بخشی و توان‌یابی به آن نیاز دارند تا پیامشان گویاتر و نافذتر شود. استفاده از موسیقی به هنگام کار، از زمان‌های قدیم یکی از ابتکارات بشر به منظور جلوگیری از خستگی و بالا بردن میزان بازدهی بیش‌تر و همچنین ایجاد هماهنگی در تسریع آن بوده است. بهترین نمونه، کشتی‌های رم قدیم است که پاروزنان آن برده بودند و با استفاده از ضربه‌های منظم طبل و ایجاد هماهنگی در حرکات پاروی آنان کشتی قدرت و سرعت بیشتری می‌یافت. همچنین آوازهای کار که به وسیلهٔ بردگان سیاه در آمریکا خوانده می‌شد و باعث سرگرمی و جلوگیری از خستگی آنان می‌شد و از طرفی چون موسیقی دارای ریتم منظم است کارگران با هماهنگی و سرعت یکسان به کار خود ادامه می‌دادند. اخیراً به اثبات رسیده است که پخش موسیقی مناسب راندمان کار را برای کسانی که به کارهای دستی اشتغال دارند از سه تا شش درصد افزایش داده است. باید گفت که موسیقی مانند زبان وسیله‌ای است برای بیان حالت روحی ویژه‌ای که موسیقی‌دان با تجربیات خود به آن دست یافته است. موسیقی زبانی است که از صداهای طبیعی موجود که اسیر سرپنجهٔ سلیقه و ظرفیت پذیر بشر شده اند صحبت می‌کند.

یکی از بزرگان اهل ادب می فرماید:

واگاه نشد از خرد و دانش تایی

ببزارم از آن گوش که آوازی اشنود



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی